

اهداف اجتماعی تعاونیها

قسمت ۱

از انتشارات اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت

اشاره:

اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت در ادامه فعالیتهای فرهنگی و ترویجی خود، اخیراً دو کتاب تحت عنوان: «تعاونیها و فقرا» و «اهداف اجتماعی تعاونیها» را ترجمه و منتشر کرده است که از حیث موضوع، محتوی و پردازش بسیار قوی و باارزش می‌باشد. ماهنامه تعاون ضمن استقبال از این اقدام مفید اتحادیه مراتب تقدیر خود را از دست اندرکاران انتشار کتب مزبور اعلام داشته و بنا دارد که طی چند شماره مجموعه مطالب کتاب اهداف اجتماعی تعاونیها را به چاپ برساند. امید است که با انتشار مجدد آن موجبات بهره‌مندی تعداد بیشتری از علاقمندان، دانش پژوهان و مسئولان فراهم شود.

نوشته: دامان پراکاش

مترجم: معصومه رضایی

پیشگفتار اتحادیه سراسری

شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی، در عین حال که همانند مؤسسات تجاری به فعالیتهای اقتصادی می‌پردازند، اهداف، کیفیت تشکیل و اصول و مقررات حاکم بر آنها به گونه‌ای است که یکی از عوامل مهم دگرگونی اجتماعی به شمار می‌روند. در حقیقت، چنانچه نقش تعاونیها صرفاً محدود به فعالیتهای اقتصادی بود، بخش تعاونی سزاوار اهمیتی که برای آن قائل شده‌اند، نمی‌گشت.

از این رو، بسیاری از متفکران تعاونی بر این عقیده‌اند که در امور تعاونی، دو عنصر وابسته به هم وجود دارد: یکی اقتصادی و دیگری اجتماعی. یعنی اولاً: هر تعاونی، کانونی است از افرادی که پی برده‌اند دارای نیازمندیهای مشابه بوده و این نیازها را با تلاش و اقدام دسته جمعی، بهتر می‌توانند بر طرف سازند تا با وسایل شخصی، ثانیاً: هر تعاونی، کوشش اجتماعی مشترکی است به منظور تحقق بخشیدن به اهدافی منطبق با رفع نیازمندیهای مزبور.

فعالیت در شرکتهای تعاونی به افراد جامعه نشان می‌دهد که قادرند سازمانها و مؤسساتی متعلق به خود تشکیل دهند، مشکلات خود را با توسل به خودیاری و کمک متقابل چاره جویی کنند و وضعیت خود را هر چقدر هم مایوس کننده و پریشان به نظر رسد، دگرگون نمایند و در پرتو کار و کوشش، موقعیت اقتصادی بهتری تحصیل نمایند و نقش تازه‌ای در اجتماع بر عهده گیرند.

کتاب حاضر که از متن انگلیسی آن به نام: **Social Objectives Of Cooperatives**

برگردان شده است، یکی از انتشارات دفتر منطقه آسیا و اقیانوسیه اتحادیه بین المللی تعاون است که ضمن پرداختن به پاره‌ای خصوصیات تعاونیها در مقام یکی از بهترین سازمانهای غیر دولتی عصر حاضر، نقش اجتماعی و اقتصادی مؤسسات مزبور را به اختصار مورد بحث قرار می‌دهد و به دنبال آن، با تشریح نحوه تشکیل و توسعه دو شرکت تعاونی شکر در کشور هندوستان، نقش دوگانه و با اهمیت اقتصادی و اجتماعی آنها را معرفی می‌کند.

نویسنده دانشمند کتاب، آقای دامان

پراکاش، مدیر پروژه آموزش مدیریت تعاونیهای کشاورزی آسیا، که دارای تألیفات متعددی در زمینه‌های مختلف تعاونی است، با قلمی شیوا و بیانی ساده، اقدامات تعاونیهای مزبور را در امور اقتصادی بر می‌شمارد و پس از آن، با ذکر موفقیتهای چشمگیر آن دو در زمینه‌های اجتماعی، از جمله تأسیس مدارس، کالجها و دانشکده‌های فنی و صنعتی و پزشکی و پرستاری، بیمارستانها، مجتمع‌های ورزشی، دانشکده هنرهای زیبا، آموزشگاه کامپیوتر، مؤسسه مدیریت و نظایر آن، چگونگی بنای جامعه‌ای متحول را توصیف می‌کند.

مؤلف، در فصول پایانی کتاب، تأثیر پردازش این اقدامات بر شکوفایی زندگی اجتماعی اعضاء و بارور شدن محیط پیرامون آنها، و نیز فرصتهای گوناگونی را که در پرتو اقدامات تعاونیها در دسترس مردم قرار گرفته است، یادآوری می‌کند.

اتحادیه سراسری تعاونیهای مصرف کارکنان دولت، امیدوار است مطالعه این کتاب، دیدگاههای جدیدی به اعضاء و مدیران شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی و دیگر علاقمندان بخش

تعاونی ارائه دهد و آنان را به فعالیتهای
ثمربخش اجتماعی ترغیب نماید.

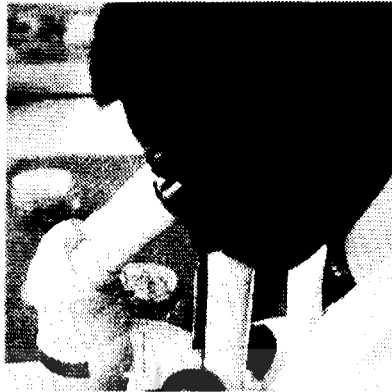
محمد اسلامی نسب

مدیر عامل اتحادیه سراسری

«سیاست‌گذاری»

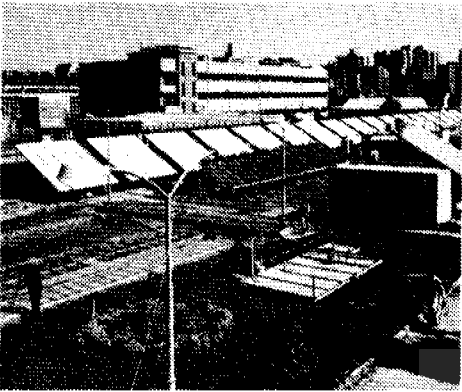
نویسنده مراتب سپاس خود را از افراد و
مؤسسات ذیل که با تشویق‌ها و ارائه
اطلاعات، وی را در تألیف این کتاب مورد
عنایت قرار داده‌اند ابراز می‌دارد. آقای رادا
کریش ناچی و یک صاحب پاتیل^۱ رئیس،
آقای م. م. پولیت^۲، مدیر عامل و آقای ای. ک.
کادو^۳، کارشناس ارشد کشاورزی،
پسادمشیری^۴، دکتر ویتال راثو و یک
پاتیل^۵ از کارخانه تعاونی شکر با
مسئولیت محدود، پراوارانا گار^۶، آقای
شانکار راثو، ان. جوشی^۷، رئیس و آقای
گورچاران سینگ^۸، مدیر مؤسسه
تحقیقاتی و آموزشی علوم طبیعی
و اجتماعی پراوارا^۹، لونی، مهاراشترا^{۱۰}،
آقای شالیگرام تاکاجی هودگار^{۱۱}، مدیر
عامل و آقای پی. وی. دای گود^{۱۲}، مدیر
مالی کارخانه تعاونی شکر با مسئولیت
محدود، سان گامنر باگ^{۱۳} آمروت ناگار،
سام گسامنر، مهار اشترا^{۱۴}، پرفسور
د. مرارو^{۱۵}، از مرکز آموزش بین المللی
بانکداری کشاورزی و تعاونی (CICTAB)
پونا^{۱۶}، آقای پی. دی. پاندی^{۱۷}، کتابدار و
کارشناس اسناد دفتر منطقه آسیا و
اقیانوسیه اتحادیه بین المللی تعاون (ICA)
(ROAP)، دهلی نو، آقای جی. ک. شارما^{۱۸}
مدیر منطقه‌ای اتحادیه بین المللی تعاون
برای آسیا و اقیانوسیه، که با پیشنهادات
ارزشمند و نوشتن پیشگفتار به نحو بسیار
مؤثری در تألیف این کتاب کمک و همکاری
نمودند.

«جامعه مدنی» فرضیه جدیدی نیست و
سابقه آن به قدمت عمر بشر است. جامعه



مدنی از شما، او، اسها و من تشکیل
می‌شود. بشر، اختیار اداره امور خود را به
نمایندگان منتخب جامعه سپرد و «نظارتی»
خوب، بر اساس اصول اخلاقی و اجتماعی و
به صورتی منصفانه و محترمانه و با توان
پاسخگویی به نیازها را انتظار داشت. با
گذشت زمان، از آنجا که نمایندگان نقش
«حکمرانان» را بر عهده گرفتند، این
«نظارت» به «حکمرانی» تبدیل گردید.
اکنون زمان آن فرارسیده است که فرضیه
قدیمی «جامعه مدنی» تقویت گردیده و
دولت‌مردان امروزی اصول اخلاقی،
اجتماعی و عدالت‌خواهی و رفتار احترام
آمیز را رعایت نموده و نیازهای مردم را
برآورده سازند.

این موضوع، که برای توسعه اجتماعی
در منطقه آسیا و اقیانوسیه چه کاری باید
انجام شود، به صورت پیشنهادی از سوی
جامعه سازمان غیر دولتی (NGO) توسط
آقای بیشان سینگ در کتاب حاضر مورد
تأکید و توجه بسیار قرار گرفته است.



آقای بیشان سینگ^{۱۹} مدیر پروژه طرح
مردمی توسعه پایدار (ANGOC) مانیل -
فیلیپین می‌باشد.

«پیشگفتار»

کتاب حاضر تحت عنوان اهداف
اجتماعی تعاونی‌ها، در واقع بسیار حائز
اهمیت و بحث برانگیز است. این موضوع به
مذاکرات و مباحثاتی که در حال حاضر در
سطح جهانی پیرامون واگذاری اختیار به
مردم و تحکیم و تقویت آنان جریان دارد،
بسیار مرتبط می‌باشد. مؤسسات تعاونی،
سازمان‌هایی مردمی هستند که توسط
اعضاء (به صورت داوطلبانه) تشکیل
شده‌اند، و (از طریق خرید سهام و پرداخت
حق عضویت) به مالکیت آنها درآمده‌اند و
توسط آنها به شکلی دموکراتیک منطبق با
اصول تعاون اداره می‌گردند تا نیازهای
اجتماعی و اقتصادی آنها را از طریق
مشارکت فعال و کمک متقابل اعضا
برآورده سازند. مؤسسات تعاونی، در
سراسر در دنیا جایگاه خود را به دست

آورده و به صورت بخشی مستقل به نام بخش تعاونی در کنار دو بخش دیگر، یعنی بخش‌های خصوصی و عمومی به طور اساسی و منسجم استقرار یافته‌اند.

در بسیاری از کشورها مؤسسات تعاونی نه تنها نیازهای اقتصادی اعضای خود را تأمین می‌کنند، بلکه نقش مهمی نیز در توسعه اجتماعی اعضای خود و به طور کلی جامعه انسانی داشته‌اند، نمونه‌های موفق وجود دارد. یک تعاونی، نشان دهنده این واقعیت است که مردم در صدد راه اندازی و برپایی سازمانی هستند که بتواند منافع آنان را در مقام عضو و در شأن و موقعیتی معین، نظیر: کشاورز، مصرف کننده، کارگر، وام دهنده و یا وام گیرنده، و امثال آن، تأمین نماید. این واقعیت، به روشنی تعاونی‌ها را از دیگر انواع سازمانهای اقتصادی که اهداف آنها صرفاً تأمین نمودن منافع صاحبان آنها به عنوان سرمایه گذار می‌باشد، متمایز می‌سازد.

کتاب حاضر، اثرات اجتماعی تعاونی‌ها را در زمینه‌هایی که مؤسسات مزبور زندگی اعضای خود را به طور اخص و جامعه را به طور اعم، غنی و پربرار ساخته‌اند، مورد بحث قرار می‌دهد و به این نکته که تعاونی‌ها به مردم، در زمینه‌های افزایش سطح درآمد، فراهم نمودن فرصت‌های آموزشی، تأمین امنیت اقتصادی از طریق ایجاد اشتغال، حمایت از محیط زیست، و کمک به بهبود وضعیت زنان و کودکان کمک می‌کنند، اشاره دارد. در این کتاب همچنین خصوصیات دو کارخانه تعاونی شکر در کشور هندوستان که پیشقدم شده و ساختاری را به وجود آورده‌اند که آموزشهای عمومی و تخصصی را به مردم ارائه داده و

فرصت‌های اشتغال را برای مردم محلی فراهم می‌سازد، به عنوان مثال ذکر می‌شود. هدف از معرفی این تعاونی‌ها آن است که نشان داده شود چگونه رهبران مؤسسات تعاونی می‌توانند با حمایت و پشتیبانی اعضاء و با همکاری کارکنان، به بهبود شرایط اجتماعی جامعه کمک نمایند. بر خلاف اعتقاد و باور عمومی که مؤسسات تعاونی فاقد آثار و اهداف اجتماعی هستند، یافته‌ها و نتایج این تحقیق این فرضیه را تقویت می‌کند که تعاونی‌ها در واقع نهادهایی مردمی هستند که به طور مؤثر و کارآمد، نیازهای واقعی و عینی اعضای خود را برآورده می‌سازند. بررسی اجتماعی دقیقتر این مؤسسات، یعنی سازمانهای تعاونی غیر دولتی، نشان می‌دهند، که رهبران آنها، با هدف هماهنگی با اعضای فهیم و روشن بین و با همکاری مدیریتی علاقمند و وفادار می‌توانند «جامعه مدنی» ما را به جایگاهی امن و رضایت بخش تبدیل سازند و به نحو بسیار مطلوب و مؤثری در محو فقر، پایداری محیط زیست و تقویت استانداردها و شاخصه‌های اجتماعی، کمک و مساعدت نمایند. در این میان، دولتها فقط ملزم به شناخت ارتباط و اهمیت آنها بوده و می‌بایست با اهدای آزادی عمل، به آنان احترام گذارند، چرا که تعاونی‌ها ابتکارات مردم عادی با منابع و امکانات محدود را عینیت می‌بخشند.

همکار من، آقای دامان پیراکاش، مدیر پروژه آموزش مدیریت تعاونیهای کشاورزی اتحادیه بین المللی تعاون - ژاپن، برای آسیا، مطالعات و تحقیقاتی پیرامون دو شرکت تعاونی انجام داده است و نتایج آن و دستاوردهای خود را در «سمپوزیوم سازمانهای غیر دولتی» با دستور جلسه

توسعه اجتماعی برای منطقه اسکاپ در قرن بیست و یکم که توسط سازمان ملل / اسکاپ در تاریخ جولای ۱۹۹۴ (تیر ماه ۱۳۷۲) در بانکوک جهت تهیه مقدمات برپایی کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی در سال ۱۹۹۵ برگزار شد، ارائه نمود. تصور من بر آن است که این تحقیق به صورتی مطلوب و منسجم و با کیفیتی بسیار مناسب برای رهبران تعاونی و اندیشمندان این منطقه تهیه و تدوین گردیده است. بر اساس پیشنهادات من، این کتاب تجدید نظر شده و به منظور تأمین نیازها و خواسته‌های تعاونیها، اندکی به مطالب آن اضافه گردید. بنابراین تصمیم گرفتیم متن اصلاح شده آن را برای توزیع بیشتر و در سطح وسیعتر، به چاپ رسانیم. من مطمئن هستم که مطالب ارائه شده برای علاقمندان به مسائل تعاونی، مفید و سودمند خواهد بود و بسیار خرسند خواهیم شد که نقطه نظرات و پیشنهادات مربوط به محتوای این کتاب را دریافت نماییم.

جی کی شارما

مدیر منطقه‌ای اتحادیه بین المللی تعاون در

آسیا و اقیانوسیه

۲۲ اوت ۱۹۹۴

فصل اول

مقدمه:

در پس عناوین جنجالی و پرهیاهوی بسیاری از کشمکش‌ها و وضعیت‌های اضطراری دنیا، بحرانی خاموش و ساکت نهفته است. بحران کشورهای توسعه نیافته، فقر جهانی، فشار جمعیت رو به افزایش، و نابودی بدون تأمل محیط زیست. این بحرانی نیست که با کمکهای فوری و اضطراری و یا دخالتها و میانجیگری‌های

سیاسی. مقطعی و کوتاه مدت، برطرف گردد. این بحران، به روند آرام و طولانی توسعه پایدار انسانی، نیازمند است.

توسعه پایدار انسانی، توسعه‌ای است که نه تنها رشد اقتصادی را به دنبال دارد، بلکه فواید خود را به طور متساوی تقسیم می‌نماید. سبب تجدید حیات محیط زیست به جای تخریب آن می‌گردد و به جای در حاشیه قرار دادن مردم، به آنان قدرت و اختیار می‌دهد. توسعه‌ای است که اولویت را به فقرا داده، حق انتخاب و فرصتها و امکان مشارکتشان را در تصمیماتی که بر زندگی آنان تأثیر می‌گذارد، وسعت می‌بخشد و تقویت می‌کند. توسعه‌ای است که طرفدار و برله مردم، طبیعت، اشتغال و زنان می‌باشد.

(به نقل از پیشگفتار گزارشی تحت عنوان توسعه انسانی که در سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۲) توسط برنامه عمران سازمان ملل به چاپ رسیده است).

ایجاد و استمرار موقعیتهای مناسب برای توسعه در بخش‌های ذیل مورد تأکید قرار گرفته است.

- واگذاری قدرت و اختیار به مردم

- حمایت و پشتیبانی از طبیعت

- اشتغال زایی

ایجاد فرصتهای توسعه و پیشرفت برای زنان

- توسعه خدمات اجتماعی

در طرح‌ها و برنامه ملی، تأکید دولتها بر جنبه‌های مزبور و نیز فراهم نمودن سرمایه و دیگر منابع جهت نیل به این اهداف قرار دارد. اهداف و منابع تجهیز شده و استراتژی توسعه یافته، نیروی انسانی و دیگر ابزار پشتیبانی به خدمت گرفته شده و بر داده‌ها و بازده‌ها نظارت می‌شود و نتایج ارزیابی می‌گردند. از آنجا که موارد



مذکور، اهدافی ملی به شمار می‌آیند. تمام تشکیلات دولت در اجرای طرحهای توسعه بسیج شده و مردم به کمک و پشتیبانی برخاسته‌اند و هماهنگی میان سازمانهای دولتی و غیر دولتی به چشم می‌خورد و الزام اجرای کارها بر اساس اولویتهای ملی تعیین و برخی اوقات تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار می‌گیرند. به منظور انجام چنین اولویتهایی در کوتاه مدت، دولتها اغلب به نادیده گرفتن نیازهای واقعی و درونی مردمی تمایل دارند، چرا که روند برنامه ریزی در سطح دولتی، از مقامات بلند پایه آغاز می‌گردد. برنامه ریزی متمرکز است و سرمایه گذاری در آن نیز به صورت متمرکز انجام می‌گیرد. پرسنل اجرایی، در فراهم نمودن خدماتی که مردم واقعاً به آنها نیاز دارند مزد یا بهره واقعی دریافت نمی‌کنند زیرا روند برنامه ریزی بسیار دورتر از مردم آغاز می‌گردد.

در کشورهای آسیایی، مردم عموماً فقیر بوده و غالباً در فعالیتهای کشاورزی به صورت دهقانان خرده پا و کشاورزان اجیرشده، کارگران بدون زمین و نظایر آن به سر برده و به کار می‌پردازند. بسیاری از

زنان در مناطق روستایی، به امور مربوط به کشاورزی اشتغال دارند ولی عواید اجتماعی و اقتصادی مطلوب و مناسبی عایدشان نمی‌شود. استانداردهای زندگی در سطح نازلی قرار دارد. فرصتهای اشتغال کافی نیست، سیستمهای مراقبت‌های بهداشتی سازمان نیافته و هر کجا این سیستمها وجود دارد، یا هزینه آن گران است و یا دور از دسترس انبوه مردمان نیازمند قرار گرفته است. همچنین خدماتی که در این واحدهای بهداشتی ارائه می‌شود بسیار قدیمی و کهنه است. به خاطر نرخ بالای فقر، بی سوادى و فقدان برنامه ریزی مؤثر و سودمند از جانب دولت، رشد جمعیت به همان شدت باقی مانده است. هر چه نرخ رشد جمعیت بالاتر باشد، مشکلات اجتماعی نیز بیشتر خواهد بود.

حقیقت مسلمی است که رشد جمعیت در کشورهای در حال توسعه، بسیار سریع است و این پدیده، خاص دنیای در حال توسعه است. بخشی از این افزایش، مربوط به شرایط بهتر بهداشتی و کاهش نرخ مرگ و میر کودکان می‌باشد، به همین علت نرخ رشد، بالا باقی مانده است. از طرفی موضوع عدم تحقق رشد اقتصادی در این کشورها، امری واقعی نیست، زیرا نمونه‌های بسیار موفقی از توسعه صنعتی، پیشرفت در بخش‌های اقتصادی، گسترش امور زیربنایی و صنعتی، افزایش تولیدات کشاورزی، بهره‌گیری بیشتر از منابع طبیعی و افزایش درآمد سرانه وجود دارد. در واقع تمام این پیشرفتهای، در بستر افزایش جمعیت خنثی و نفی می‌گردند.

سطح زمینهای کشاورزی رز به کاهش است، زیرا به تدریج زمینهای بیشتری برای احداث مجتمع‌های مسکونی، جاده‌ها،

تسهيلات و تجهيزات جوامع، مجتمع‌های تفریحی - توریستی، صنایع و غیره، مورد استفاده قرار می‌گیرند. شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه تقریباً مایوس‌کننده است و افزایش جمعیت نیز شرایط را بدتر می‌کند. تعداد بیشتری مدرسه، بیمارستان، اتوبوس و نیز منابع فراوان آب و برق مورد نیاز است. ولی منابع در اختیار کشورهای فقیر - کم ارزش هستند. یکی از طبقات مستقیم چنین رشدی در کشورهای در حال توسعه آن است که فقیر، فقیرتر خواهد شد و دنیایی که مردم در آن زندگی می‌کنند اندکی ناخوشایندتر به نظر خواهد رسید.

مشکلات توسعه نیروی انسانی در جامعه مدنی

نقش نهادهای پشتیبانی

نهادهای افتخاری (که سازمانهای غیر دولتی نیز خوانده می‌شوند)، گروههای خودگردان، باشگاهها یا گروههای اجتماعی، برنامه‌های سواد آموزی و مؤسسات آموزش بهداشت، با ضریب معینی از کارایی و اطمینان در خدمت توده مردم می‌باشند. به نظر می‌رسد اعتماد مردم سبب خوشحالی و رضایت آنان می‌گردد. این مؤسسات معمولاً توسط گروههای داوطلب و افتخاری حمایت می‌شوند. هدف چنین اقداماتی بهبود وضعیت عده کثیری از مردم بر اساس نیازهای مبرم آنان است. نهادهای افتخاری متکی به اصول دموکراسی، از ابتکار عمل بیشتری در اتخاذ استراتژی‌های توسعه برخوردار هستند. بنابراین طرحهای آنان پاسخگوی نیازهای مردمی می‌باشد. این نهادها تحت نظارت و کنترل‌های دولتی قرار ندارند. تصمیم‌گیری در چنین سازمانهایی سریعتر انجام می‌گیرد و می‌تواند

پاسخگوی احتیاجات تعداد کمتری از افراد در مدت زمانی مطلوب و با حوزه عملکردی رضایت بخش و معین باشد.

نهادهای افتخاری، در زمینه‌ها و حوزه‌هایی نظیر آموزش ابتدایی، سوادآموزی بزرگسالان و مراقبت‌های بهداشتی همگانی، از امتیاز بیشتری نسبت به دستگاههای دولتی برخوردارند. شاید آنها تنها ارگانهایی باشند که بتوانند وظایف حیاتی و حساسی نظیر سازماندهی و خدمت‌رسانی در مناطق فقیر روستایی را بر عهده گیرند.

علاوه بر آن، سازمانهای غیر دولتی توانسته‌اند این باور را در مردم به وجود آورند که دولت‌ها به جای «نظارت» بر مردم جامعه مدنی - بر مردم حکمرانی کرده و به تدریج از وضعیت «نظارت» به حالت «غیر نظارتی» گرایش یافته‌اند. متأسفانه دولت‌ها به مرور زمان شکافهای بزرگی میان رهبران مردم، نمایندگان منتخب مردم و حتی خود مردم بوجود آورده‌اند. چنین امری عمدی نبوده و اتفاقی است.

هنر و فن نظارت و حکمرانی منطقی و اخلاقی، به سیاستگذارهای ضعیف مملو از تغییرات مبتنی بر پارتی بازی، فساد، عدم کارایی، تردید و دودلی و بی تفاوتی نسبت به مردم و نیازهای آنان، تبدیل گشته است. رهبران، در گردابی از تناقضات، عملکردهای ضد اجتماعی و منافع شخصی و به زیان همان مردمی که آنها را برای نظارت بر خود انتخاب نموده‌اند، غرق شده‌اند. بنابراین، برنامه‌های توسعه با خصوصیات موصوف، که توسط دولت‌ها پیشنهاد و ارائه می‌گردند، معمولاً در راستای منافع شخصی و برآوردن امیال و جاه‌طلبی‌های سیاسی است.

دولت‌ها جهت اعمال و تثبیت قدرت و

نفوذ خود، از ابزار و سلاحهای متعدد نظیر حمایت‌های سیاسی، پروژه‌ها و طرحهای زیرکانه مؤسسات سرمایه‌گذاری که برای دولت‌ها و افزایش منافع آنان کار می‌کنند، بهره‌می‌گیرند و حتی از روشهای خصمانه و غیر انسانی بر علیه اعضای جامعه مدنی، مانند: نقض حقوق انسانی، دائمی نمودن اختلافات فرقه‌ای (کاست) بهره‌برداری از کشمکشها و اختلافات مذهبی و همین‌طور سرکوب امیال و خواسته‌های عموم و هتک حرمت و غرور آنها استفاده می‌نمایند. چنین ترفندهایی در دوران ما بارها مشاهده و ظاهر گشته‌اند. مردم از خود می‌پرسند که دولت‌ها واقعاً برای چه کسانی تشکیل می‌شوند و در مجموع چه کسانی آنها را اداره می‌کنند و هدف آنها از این اقدامات چیست؟ به نظر می‌رسد، خود مردم از دایره تمرکز و توجه بیرون رانده شده‌اند.

گفته می‌شود کشورهای فقیر، به علت عدم توسعه اقتصادی (رشد اقتصادی) در دور فقر به سر می‌برند. نقطه مقابل این نظریه آن است که گویی کشورهای توسعه یافته هیچ‌گونه حرص و آزی در کسب قدرت ندارند و یا مردم و دولت‌های آنها، کاملاً از یکدیگر راضی هستند. رشد و توسعه، پیشرفت و امنیت را به همراه دارد، همچنین باعث بروز مشکلاتی می‌گردد. رشد اقتصادی، به تنهایی شاخص و عامل پیشرفت جامعه انسانی نیست. توسعه، حرص را بر می‌انگیزد، حرص برای پول. حرص برای قدرت، حرص برای مواد خام کشورهای فقیر و منع انتقال تکنولوژی‌ها (به طور مثال: کنترل تکنولوژی مانعی برای پیشرفت اجتماعی است - به عنوان نمونه، کنترل حق انحصاری نباتات و بذر گیاهان، به معنای خنثی نمودن تولید کشاورزی و

محو آزادی عمل و کار کشاورزان در کشورهای در حال توسعه می‌باشد). دخالت در قراردادهای غیر منصفانه برای تهیه آب و برق و آزاد سازی راهها، وضع قوانین نامأنوس و غیر دموکراتیک و یک جانبه، دولت‌ها را در غصب مؤسسات منتخب عموم مردم، محو و نابودی ارزش‌های فرهنگی از طریق تهاجم رسانه‌های گروهی و نظایر آن، توانمند خواهد ساخت. توسعه باید با حمایت کامل مردم اجرا و تکمیل گردد، مردمی که جامعه را تشکیل داده و دارای نیازهای اقتصادی هستند. چنانچه روند توسعه پاسخگوی جنبه‌های دوگانه اجتماعی و اقتصادی باشد، تنها در این صورت است که می‌توان توسعه کامل اجتماعی را انتظار داشت. چنین توسعه‌ای به بهبود کیفیت زندگی کمک خواهد کرد.

نگاهی نزدیکتر به دنیای اطراف خود، برخی از آزردهنده‌ترین گرایش‌هایی را که به وجود مقدس انسان آسیب رسانده است، در برابر ما آشکار خواهد ساخت که در میان دیگر روندها، تخریب محیط زیست، هزینه‌های سنگین برای ابزار و ماشین آلات جنگی، از میان بردن حقوق انسانی، محو تنوع و فرهنگ‌های منطقه‌ای، کاهش اهمیت کشاورزی در برابر صنعت، اختلاف شدید توزیع درآمد، کاهش فاجعه‌آمیز بودجه‌های آموزشی، و جلوگیری از آزادی بیان و غیره را به دنبال خواهد داشت.

مسائل جزئی، ابعاد جهانی به خود گرفته و بودجه‌های دفاعی بر هزینه‌های آموزشی و توسعه، تفوق یافته است. کاهش بودجه‌های جهانی آموزشی آن چنان بوده است که حداقل دو یا سه نسل بی‌سواد و محروم از منافع توسعه اجتماعی باقی خواهند ماند. پولی که صرف

جنگ‌های ناخواسته شده است، می‌توانست برای برنامه‌های آموزشی، تربیتی و توسعه، هزینه شده و به گسترش توسعه اجتماعی بیانجامد.

نیاز مبرمی به رفع این تنگناهای شدید وجود دارد تا تنوع‌های منطقه‌ای حمایت گردد، همگونی‌های زیست محیطی حفظ شود، جو مناسب‌تری برای ایجاد و احیای محیط اجتماعی به وجود آید. امکانات مالی به مصرف کاربردهای واقعی‌تر رسیده و استانداردهای اجتماعی مردم افزایش یابد. همچنین لازم است بهره‌مندی مردم از حقوق خود، تجدید و تضمین شود و توانایی و اختیار لازم جهت انجام مسئولیتها، بدون هرگونه واگه و اجبار به آنها اعطا گردد.

با وجود این، بارقه‌هایی از امید به چشم می‌خورد و آن وجود سازمانهای غیر دولتی است که از شهامت قیام و مبارزه در راه حمایت از مردم و تهیه نیازهای ضروری و رفاهی آنان که از طریق طرحها و اقدامات دولتی امکان‌پذیر نیست، برخوردار می‌باشند. این سازمانهای غیر دولتی، نهادهای مردمی - یا گروه‌های خودیاری هستند که از طریق امکانات و منابع خود تلاش می‌کنند در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی به مردم خدمت نمایند. ما می‌توانیم نقش چنین سازمانهایی را در اکثر مسائل مهم و حیاتی از قبیل: رشد جمعیت، مبارزه بر علیه گرسنگی و بیماری، حمایت در برابر نقض حقوق انسانی، پشتیبانی از حقوق مدنی و تشویق و ترویج احترام و توجه به مسئولیتها، حمایت و ایستادگی در برابر توافق‌های غیرمنصفانه و یک‌جانبه تجاری، دفاع از بی‌گناهان نظیر زنان و کودکان در مقابل رفتارهای خشن و عوامل ضد

اجتماعی، مواد مخدر، نابودی محیط زیست از طریق مواد آلاینده و مضر، نظیر ضایعات هسته‌ای و غیره مشاهده نماییم.

ما همچنین متوجه گسترش جو ترس، حرص و آز برای ثروت و قدرت و ناتوانی مردم در اعتراض به عملکرد دولت‌ها هستیم. رشد وحشتناک تروریسم، نابودی و تخریب محیط زیست و گسترش فقر از طریق رواج بدون وقفه زاغه‌ها و محله‌های فقیرنشین به چشم می‌خورد. به علت عدم نظارت و نظر به عدم توانایی مردم در احقاق حقوق حقه خود، زمینهای با ارزش توسط کسانی که کاهش و تقلیل زمینهای کشاورزی جهت گسترش شهر سازی برای آنها اهمیتی ندارد غصب می‌شود، زیرا چنین پروژه‌هایی در اختیار افراد با نفوذ قرار دارد. فقرا یا اعضای قانونمند جامعه شهری، به تدریج، از ذخیره کافی آب آشامیدنی سالم و تمیز و برخوردار از نیروی برق مناسب و حرکت در جاده‌ها و خیابانها محروم می‌شوند. بچه‌های ما، اکنون جایی را برای بازی در محوطه آزاد و لذت بردن از هوای تازه ندارند.

با توجه به فشار رشد جمعیت، کاهش ملزومات شهری و فقدان فرصت‌های اشتغال، توده بچه‌های خیابانی، که با شوخی و بازی اعانه جمع می‌کنند، افزایش یافته و زنان بیچاره، هدف وحشیگری و قساوت و اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند. در این شرایط است که ما می‌توانیم عملکرد تحسین برانگیز سازمانهای غیر دولتی را با رضایت مشاهده نماییم. منابع آنها محدود است، ولی اهداف و خدمات آنان در خور ستایش می‌باشد. آنها به حمایت سیاسی‌گذاری، تشویق، پرورش و حمایت نیاز دارند.